



Revisiting the evolution of Iranian-Islamic Neighborhood Structure Based on Urban Development Plans: Case Study of Sarshoor, Mashhad

Iman Ghalandarian

Email: Ghalandarian@um.ac.ir (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Zeinab Ghane Honarvar

Bachelor of Urban Planning, Department of Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Received: 1402/03/24

Accepted: 1403/03/06

Abstract

Neighborhoods have historically been the social habitat of city dwellers. This social unit, which was considered as a cornerstone of Iranian-Islamic society, has demonstrated the structure of ancient Iranian cities in a distinctive way. Various political, administrative, economic, and socio-cultural factors have led to the formation of the neighborhood's physical space in the city, of which social and cultural factors are of particular importance. Today, due to some shortcomings in providing services, some of the historic and old neighborhoods of cities have been intervened by urban management. If these interventions are carried out without considering the memories and affiliations of citizens and their mental needs, it will lead to rapid developments in historical fabrics and the erasure of the identity of cities. One of the platforms for changing the shape of these neighborhoods is urban development plans. This study aims to evaluate the changes in the identity and physical characteristics of Sarshoor neighborhood based on comprehensive and detailed plans and focuses on the changes in the characteristics of the neighborhood. This study is practical in terms of purpose and qualitative in nature based on thematic analysis. The strategy used in this research is inductive. The data collection method is both library-based and field-based. The findings of this study indicate that with the interventions of urban development plans in different years, the residential, tourist, and market characteristics of this neighborhood have changed and have gone out of balance. The residential characteristic of the neighborhood has been severely weakened due to the departure of native people from the neighborhood, the decrease in the sense of belonging, the increase in land and goods prices, heavy traffic, and the increase in residential users.

Keywords: Iranian-Islamic neighborhood, interventions, urban development plans, Sarshoor neighborhood.





بازخوانی تطور ساختار محله ایرانی-اسلامی مبتنی بر پیشنهادات طرح‌های توسعه شهری (مورد مطالعه: محله سرشور، مشهد)

ایمان قلندریان

استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Ghalandarian@um.ac.ir

زینب قانع هنرور

کارشناسی مهندسی شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶

چکیده

محله از ادوار گذشته به‌عنوان سکونتگاهی اجتماعی محل استقرار و سکونت شهرنشینان بوده است. این واحد اجتماعی که رکن اصلی جامعه ایرانی-اسلامی محسوب می‌شود، ساختار کالبدی شهرهای ایران باستان را در قالبی متفاوت عرضه نمود. عوامل متعدد سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی باعث شکل‌گیری فضای کالبدی محله در شهر شده که از این میان، عوامل اجتماعی و فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردارند. امروزه تعدادی از محلات تاریخی و قدیمی شهرها به واسطه برخی کاستی‌ها در ارائه خدمات، مورد مداخله توسط مدیریت شهری قرار گرفته است. چنانچه این مداخلات بدون توجه به خاطرات و تعلقات شهروندان و نیازهای آن‌ها صورت گیرد، منجر به توسعه‌هایی شتابان در بافت‌های تاریخی شده و خاطره‌زدایی و نابودی هویت شهرها را به همراه دارد. یکی از بسترهای تغییر شکل این محلات، طرح‌های توسعه شهری هستند. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی تغییرات شاخصه‌های کالبدی-هویتی محله سرشور بر اساس طرح‌های جامع و تفصیلی و تغییر خصلت‌های محله می‌پردازد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت کیفی مبتنی بر روش تحلیل مضمون (تحلیل تماتیک) است. استراتژی مورد استفاده در این پژوهش استقرا می‌باشد. گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. دستاوردهای این پژوهش حاکی از آن است که با مداخلات طرح‌های توسعه شهری در سال‌های مختلف در این محله سه خصلت سکونت، اقامتی، و بازاری تغییر یافته و از حالت تعادل خارج شده است. خصلت سکونت محله تحت تأثیر خروج افراد بومی از محله و کاهش حس تعلق، افزایش قیمت زمین و اجناس، ترافیک زیاد سواره، و افزایش کاربری‌های اقامتی به شدت تضعیف شده است.

واژگان کلیدی: محله ایرانی-اسلامی، مداخلات، طرح‌های توسعه شهری، محله سرشور.



۱. مقدمه

شکل‌گیری شهر یا هر مجتمع زیستی دیگر عمدتاً متأثر از عوامل متعددی است که یکی از بنیادی‌ترین آن‌ها جهان‌بینی و تفکر کسانی است که آن را برای زیست خود می‌سازند. شهرها و محیط زندگی مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نیست و در فرایند شکل‌گیری آن‌ها، تفکر و اصول اسلامی تأثیر بنیادین و اصلی داشته است (نقی‌زاده ۱۳۸۹). شهر اسلامی یکی از مظاهر تمدن اسلامی بوده که ساخت و استخوان‌بندی آن از فضای اندیشه‌ای حاکم بر آن، تأثیر می‌پذیرفته است. در همین ارتباط، عناصر کالبدی-فضایی شهرهای ایرانی-اسلامی متناسب با بسترهای فرهنگی و ارزش‌ها و معیارهای دینی و همچنین مبانی فکری و مبادی صوری استخراج شده از اندیشه‌ها، اسطوره‌ها و یادمان‌های ایرانی ایجاد شده و بدان‌ها هویت بخشیده است (خدایی و تقوایی ۱۳۹۰). این در حالی است که امروزه منظر شهرها، سیمای بیرونی و کالبد عناصر شهری انعکاس‌دهنده هویت ساکنان آن‌ها نبوده و چنین به نظر می‌رسد که کمتر تلاش آگاهانه و هدفداری برای هویت‌بخشی و حفظ یا پیوستگی معیارها و ارزش‌های شهر ایرانی-اسلامی در آنها صورت گرفته و بسیاری از نشانه‌ها و نمادهای معماری ایرانی-اسلامی به کلی از بین رفته یا به شدت کم‌رنگ شده‌اند (کریمیان ۱۳۸۹). در سده اخیر با ورود سبک شهرسازی مدرن و الگوهای برنامه‌ریزی جامع و خواست مدیریت شهری، بسیاری از ساختارهای فضایی-کالبدی شهر کهن ایرانی-اسلامی دچار دگرگونی و تغییرات زیادی شده است.

شهر مشهد یکی از کلان‌شهرهای بزرگ ایران، که در مقطعی از تاریخ به‌عنوان پایتخت بوده، به واسطه حضور مرقد مطهر امام هشتم (ع) شهری تأثیرگذار در دنیای اسلام می‌باشد. ساخت و ساختار کالبد این شهر، فراز و نشیب‌های زیاد و تحولات ساختاری و عملکردی مختلفی را بر حسب شرایط گوناگون تجربه کرده است؛ به طوری که امروزه این شهر با افزایش میزان و سرعت ساخت و ساز و عدم توجه به بستر و هویت آن، با تخریب و نابودی روزافزون بافت‌های کهن و تاریخی روبه‌رو شده است (سلطانی‌فرد و دیگران ۱۳۹۲). از زمان شهادت امام (ع)، در سال ۲۰۳ قمری، ارادتمندان به ایشان، شهر مشهد را جهت سکونت خود انتخاب کردند؛ که بتدریج با شکل‌گیری محلات گوناگون، هسته اولیه شهر مشهد بنا گذاشته شد. محلاتی نظیر سراب و نوغان و پس از آن سرشور و عیدگاه جزو اولین محلات شهر مشهد به شمار می‌آیند. این محلات که نماد هویت و نشانگر فرایند توسعه و شهرنشینی شهر مشهد هستند،

طی سال‌های اخیر و با تأکید بر توریستی شدن فضا، فرایند نوسازی کالبدی را تجربه کرده‌اند. براین اساس محله سرشور با دارا بودن جاذبه‌های گردشگری و پتانسیل‌های غنی در زمینه‌های تاریخی، مذهبی و فرهنگی طی سال‌های گذشته به شدت دچار مداخلات گسترده کالبدی، اجتماعی و فرهنگی شده است.

بنابراین راه‌حلیابی، در جهت برون‌رفت از بی‌هویتی کالبدی و عملکردی از طریق شناخت سازوکارها و علل بروز این مسئله و آسیب‌شناسی وضع موجود با دیدی راهبردی و تطابق آن با چشم‌انداز آینده ممکن خواهد بود. از این رو، پژوهش حاضر گام به عرصه تحقیق گذاشته و بر آن است که به مطالعه مسائل متأثر از مداخلات شهری بر کالبد هویت‌ساز در محله سرشور مشهد بپردازد.

سوالات پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، مطالعه چگونگی تطور ساخت و ساختار محله سرشور مشهد مبتنی بر طرح‌های توسعه شهری بوده است. در این ارتباط سوال اصلی پژوهش به شرح زیر می‌باشد: طرح‌های توسعه شهری چه تأثیری بر تطور ساخت و ساختار محله سرشور مشهد داشته است؟

۲. مبانی نظری

با توجه به موضوع پژوهش و تأثیر مداخلات شهری بر بافت محله ایرانی-اسلامی، در این بخش به دو وجه محله و مداخله پرداخته خواهد شد.

۲-۱. محله

محلات شهری واحدهای اجتماعی-اداری خودگردان با بافت اجتماعی-فرهنگی همگن هستند که زندگی در آن بر پایه ثروت و موقعیت اجتماعی نبوده و فقرا و اغنیا در یک واحد فضایی می‌زیسته‌اند (معروفی و دولابی ۱۳۹۹). اگر چه امروزه واژه‌ها و تعابیری همچون منطقه، ناحیه، محله، برزن، کوی، و واحد همسایگی به‌عنوان اجزا و زیرمجموعه‌های شهرها رایج هستند، اما این تعابیر عموماً قراردادی بوده و با خطوط فرضی از سایر محدوده‌های مشابه جدا می‌شوند. در این زمینه، یکی از اصلی‌ترین و اصیل‌ترین تعابیر واژه «محله» است، که از گذشته‌های دور، در میان مسلمانان و در شهرهای آنها و از جمله در شهرهای ایرانی کاربرد داشته و مفهوم آن تا حدود زیادی برای مردم آشناست. اندیشه و بحث در مورد واژه و مفهوم محله در طیف گسترده‌ای قابل طرح است که محدوده‌های این طیف را فرهنگ و باورهای جامعه، موقعیت جغرافیایی، زمان، و شیوه زیست و رابطه مردمان با یکدیگر تعریف و تعیین می‌کنند. محله در لغت به معنای «کوی، برزن،

رابطه‌ی متقابل اجتماعی و تقویت و پایداری این روابط و در نهایت ایجاد جو صمیمی و اجتماعی میان همسایگان محله می‌شد (پورجعفر ۱۳۹۱). برخورداری از محدوده‌ای مشخص با مرزهایی معین و قابل ادراک توسط ساکنان، خودکفایی در برآورد نیازهای روزمره آنان، شکل دادن به رویدادهای اجتماعی پیرامون نهادهای مذهبی و سنتی محله در قالب آیین‌ها و مناسک مذهبی و برخی دیگر از عوامل کالبدی-عملکردی (پیربابایی و سجاده‌زاده ۱۳۹۰) نقش ویژه‌ای در تقویت پیوندهای عمیق اجتماعی میان ساکنان، گسترش روابط همسایگی و انسجام اجتماع محله‌ای و ایجاد احساس تعلق خاطر به محله ایفا می‌کرده است (خبیری، پورجعفر، و ایزدی ۱۳۹۹). بنابراین استقرار خدمات محله‌ای در مرکز محله و خودتکایی این واحد فضایی در تأمین نیازهای ساکنان ضمن افزایش تبادل و ارتباطات روزمره آنها با یکدیگر منجر به شکل‌گیری رویدادهای اجتماعی پیرامون نهادهای مذهبی و سنتی محله ای در قالب آیین‌ها و مناسک مذهبی می‌شد.

۳-۲. اجزا و عناصر محله ایرانی-اسلامی

محلات ایرانی اسلامی همانند اجزاس یک موجود زنده، بسیاری از ویژگی‌های شهر را در مقیاسی کوچک‌تر دارند. همانند شهر، دارای مرکزی بوده، که در مقیاسی کوچکتر پاسخگوی نیاز اهالی هستند. این محلات، به‌عنوان اجزای یک کل، با یکدیگر در ارتباط بوده به‌عنوان مکمل یکدیگر ایفای نقش می‌نمودند (حیدری و طارمی ۱۳۹۹). هر محله علی‌رغم این ارتباط، دارای اجزا و عناصری است. اصلی‌ترین عناصر محلات، خانه‌ها و شبکه راه‌های ارتباطی آن بود. در بعضی از شهرها که گروه‌بندی‌های شدید اجتماعی وجود داشت، محلات در حصارهایی محصور بودند و ورود به آنها با گذر از دروازه‌های محله میسر بود (باستانی‌راد ۱۳۹۱). این گونه محلات اگر چه عمومیت نداشتند اما نمونه‌هایی از آنها وجود داشته است. معمولاً هر محله مرکزی با عناصر عملکردی خاص مانند بازارچه، مسجد، حسینیه، آب‌انبار، کارگاه‌ها، زورخانه، و میدانچه در مقیاس محله دارد. همواره مسجد و بازارچه عنصر اصلی و مشترک مراکز محلات بوده است (خدایی و تقوایی ۱۳۹۰؛ سعیدی‌رضوانی ۱۳۶۸). این عناصر عموماً به شیوه‌های مختلفی مجتمع می‌شدند که اهم آنها عبارتند از: مجاورت با گذر اصلی، پیرامون میدان مرکز محله یا مشرف به چارسوی مرکز محله (نقی‌زاده ۱۳۹۶، ۶۸). اما واقعیت این است که همان‌گونه که در نقشه‌های برخی از شهرها مشخص است همه محلات الزاماً مراکزی با اجزایی مطابق آنچه که معروف است نداشته‌اند؛ یا شاید هر چند محله، از یک مرکز استفاده می‌کرده‌اند. گاهی نیز یک

یک قسمت از چندین قسمت شهر یا قریه یا قصبه، قسمتی از قسمت‌های شهری یا قریه‌ای» آمده است. یکی از ویژگی‌هایی محله، توجه به نسبت و رابطه آن با شهر است. از آنجایی که هر جزء هر پدیده‌ای، همه یا بسیاری از ویژگی‌های پدیده اصلی (یا کل) را دارا می‌باشد، می‌توان به دنبال مقیاسی از ویژگی‌هایی برای محله بود که در شهر نیز وجود دارند. اهم این ویژگی‌ها حضور انسان، تأمین نیازهای انسانی، و شرایط مطلوب زیست و برقراری ارتباطات اجتماعی و انسانی هستند که در مقیاسی کوچک‌تر در محله نیز باید وجود داشته باشند. به همین دلیل است که می‌توان به تعریف فارابی از جماعتی کوچک‌تر از شهر اشاره کرد که آنها را جوامع ناقص معرفی می‌کند (نقی‌زاده ۱۳۹۶، ۷۳).

۲-۲. محله ایرانی-اسلامی

ساختار شهر ایرانی-اسلامی مجموعه‌ای متشکل از محله‌های همگن است. این تجانس برآمده از ویژگی‌های قومی، مذهبی و یا حرفه‌ای ساکنان بوده (ایازی ۱۳۹۲) و به روابط مناسب و وابستگی‌های افراد در محله انسجام می‌بخشیده است. محله ایرانی اسلامی دارای ابعاد مختلف اجتماعی، کالبدی و عملکردی هویت‌مند و در ارتباط با هم است. در بعد عملکردی، هر محله معمولاً از مرکزی با عناصر عملکردی خاص در مقیاس محله (مسجد و بازارچه) بهره می‌برد. معمولاً محلات برای سکونت کسانی که از نظر دینی، مذهبی، نژادی، و زبانی مشترک بوده و یا صاحبان حرف و پیشه مشابه، اختصاص می‌یافت. غالباً بنای مسجد یا امامزاده و میدان، محور اصلی محله را تشکیل می‌دهد (سعیدی رضوانی ۱۳۶۸). در بعد کالبدی، آهنگی که از طریق ترکیب توده و فضا و سازمان فضایی در محیط محله تولید می‌شود، تأثیری مستقیم بر ساکنان یا عابران محله داشته و آنان را به هماوایی با خود وا می‌دارد. در بعد اجتماعی نیز، ساکن و عابر، خود جزئی از فضای آهنگین می‌گردد. کیفیت تجربه حاصل از این مشارکت، بیانگر کارایی محله بوده و باعث خاطره‌انگیزی می‌شود. همبستگی اجتماعی در این محله‌ها، منجر به شکل‌گیری تعلق به محله و احساس تمایز ساکنان نسبت به دیگر محله‌ها می‌شد (پاکزاد ۱۳۸۶). همچنین این محله‌ها به دلیل برخورداری از ویژگی‌های کالبدی-عملکردی و اجتماعی واجد هویت و اصالت بوده و بیش از آن که مفهومی برآمده از کالبد شهر باشد با حس تعلق ساکنان به مکان، تعاملات اجتماعی آنها با یکدیگر و مشارکت و همیاری آنان در امور محل زندگیشان شناخته می‌شود (بهشتی ۱۳۹۰). انسجام، مقیاس و تناسب‌های انسانی از سایر ویژگی‌های محله‌های ایرانی-اسلامی است که موجب نزدیکی ساکنان و

در محلات ایرانی-اسلامی بازارها و بازارچه‌ها علاوه بر عملکرد اقتصادی، دارای عملکرد اجتماعی نیز می‌باشند. فعالیت‌های اجتماعی در بازار، معمولاً شامل مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از رفتارهاست که توسط مردم و در فضاهای مشخصی از بازار صورت می‌پذیرد. این رفتارهای جمعی در واقعیت می‌تواند تقویت و همبستگی گروهی را بالا برد و به ادغام رفتار فردی و ساختار گروهی جامعه کمک نموده و در نتیجه موجب کاهش تنش و اضطراب در جامعه شوند. بازارچه‌ها در مرکز محله به‌عنوان نهاد کوچکتر از بازار، همان نقش اجتماعی و اقتصادی را ایفا می‌کند (لطیفی و صفری چاپک ۱۳۹۲).

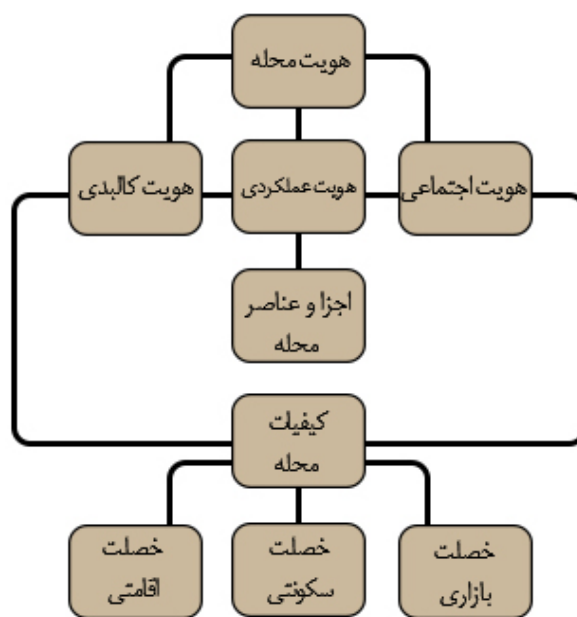
جاذبه‌های گردشگری، به تنهایی، رونق این صنعت را فراهم نمی‌کند، بلکه امکانات و شرایط برای جابجایی و اقامت گردشگران نیز، باید فراهم باشد. بدین مفهوم که اگرچه، اسکان در اقامتگاه‌ها، هدف اصلی یک گردشگر نیست، اما بدون فراهم بودن امکانات اقامتی، رغبتی برای دیدار از یک جاذبه ایجاد نمی‌شود (رنجبریان و زاهدی ۱۳۸۶). تصمیم‌گیری در انتخاب محل اقامت، تابعی از انگیزه‌ها و سلیقه گردشگر و سایر ویژگی‌های سفر اوست. انگیزه‌های زیارتی، تفریحی، کاری، و درمانی در نوع اقامتگاه و حتی محدوده مکانی اقامتگاه تأثیرگذار است. اقامتگاه، امروزه به مکانی چندکارکردی تبدیل شده است (قهрман و دیگران ۱۴۰۰). برخی از محلات، خصوصاً در شهرهای بزرگ پذیرای مسافران، زائران و گردشگران بوده است. لذا این محلات علاوه بر خصلت سکونت و تجارت، خصلت اقامت هم دارند و پذیرای گردشگران و مسافران هستند. جدول ۱ عناصر سازمان فضایی محله ایرانی-اسلامی را به تفکیک خصلت‌های سه‌گانه نشان می‌دهد.

۲-۴. مداخله در بافت‌های شهری

بافت قدیمی و تاریخی شهرها به واسطه‌ی قدمت و وجود عناصر تاریخی-هویتی و موقعیت مناسب ارتباطی برای شهروندان و ساکنان، دارای ارزش و منزلت بالایی است. اما این بافت‌ها با گذر زمان و تغییر سبک زندگی و گسترش استفاده از خودرو، با تحولات متعددی مواجه شده و به تدریج دچار اختلال در ابعاد مختلف هویتی، کارکردی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، ارتباطی، و زیست‌محیطی شده و مداخله و نوسازی آن‌ها را ضرورت می‌بخشد (غفوری و قلندریان ۱۴۰۲). سیر تحول سیاست‌های نوسازی شهری به ویژه از قرن نوزدهم تا امروز، از پرداختن به ویژگی‌های صرفاً کالبدی آغاز و به ابعاد پدیده‌تر اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی ارتقا یافته است. به طور کلی چند دوره عمده و متفاوت در

محله بزرگ (و اصلی) شامل چند محله کوچک‌تر (زیرمحله) بوده است. مطالعه نقشه‌های محلات شهرها حکایت از آن دارد که وسعت محلات در مناطق مرکزی شهر کمتر و تراکم آن‌ها بیشتر بوده است (لطیفی و چاپک ۱۳۹۲). محلات موجود در بافت‌های تاریخی شهرها، دارای ویژگی‌هایی است که آن را از بافت‌ها و پهنه‌های پیرامونی و بلافضل و نیز سایر قسمت‌های شهر متمایز می‌کند (طاهرخانی و متوسلی ۱۳۸۵). این محلات دارای بناهای مذهبی اعم از بقعه‌های متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، خانقاه‌ها، مزارات هستند که به دلایل مختلف از جمله «معنویت حاکم بر آنها»، «سابقه تاریخی»، «شیوه معماری»، و «کارکرد فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی» در بین مردم از گذشته تا به حال از اهمیت خاصی برخوردار بوده و جنبه «تقدس» یافته‌اند. از طرفی این محلات تاریخی و اماکن مقدس، از دیرباز با اقتصاد فرهنگی (قریبی و مدیری ۱۳۸۷) پیوند خورده به گونه‌ای که اقتصاد شهر و متعاقب آن کالبد، عملکرد و فعالیت ملهم از مناسبات زیارتی بوده است.

بنابراین می‌توان اجزا و عناصر محله ایرانی اسلامی را در ذیل سه خصلت سکونت، تجارت (بازار)، و اقامت دسته‌بندی نمود. این خصلت‌ها در دو بعد قابل بررسی می‌باشند. یک بعد مربوط به کیفیت‌های اجتماعی و کالبدی است و بعد دیگر عملکرد عناصر محله را نشان می‌دهد. شکل ۱ ارتباط هویت و خصلت‌های محلات ایرانی اسلامی را نشان می‌دهد.



شکل ۱. دیاگرام خصلت‌های محله ایرانی-اسلامی و عوامل موثر بر آن

سیاست‌های رویارویی و مواجهه با بافت‌های تاریخی و قدیمی مشاهده شده است که عبارتند از: بازسازی، باززنده سازی، نوسازی، توسعه مجدد، و بازآفرینی و بازآفرینی فرهنگ مبنا و پایدار (قلندریان ۱۴۰۱).

جدول ۱. عناصر سازمان فضایی محلات تاریخی ایرانی-اسلامی در منابع

منابع	خصلت													
	عناصر سکونتی					عناصر بازاری			عناصر اقامتی					
	مسکن	حمام	شبکه معابر	مرکز محله	مسجد	حسینیه و تکیه	مدرسه	میخانه	زورخانه	آب‌انبار	مرکز محله	بازار- بازارچه	تکیه حسینیه و تکیه	کاروانسرا
نقی‌زاده ۱۳۹۶														
حیدری و طارمی ۱۳۹۹														
محیط‌آرا و دیگران ۱۳۹۷														
خدایی و تقوایی ۱۳۹۰														
لطیفی و چابک ۱۳۹۳														
محمدی و علیان ۱۳۹۸														
همدانی و سجاذاد ۱۳۹۹														
هاشم‌پور و یزدانی ۱۳۹۵														
باستانی‌راد ۱۳۹۱														
غلامی و دیگران ۱۳۹۲														
پیرحیاتی و ترکجزی ۱۳۹۲														
صفوی و دیگران ۱۳۹۷														
منظوری و درسخوان ۱۳۹۶														

۳. معرفی نمونه موردی؛ محله سرشور مشهد

محله دروازه اصلی و مهمی نداشته، در منابع تاریخی قدیم کمتر از آن نام برده شده است. مطابق گزارش زین‌العابدین میرزای قاجار محله سرشور در اواخر عهد ناصری دارای ۹ مسجد، ۱۰ تکیه، ۴ کاروان‌سرا و تیمچه، ۹ حمام، ۱۰ آب‌انبار، ۱۳ باغ، و ۲۰ کارگاه شعرافی و شالی‌بافی بوده‌است. از بناها و مراکز معروف محله سرشور می‌توان به سرای وزیر نظام، سرای ناصریه، سرای شال‌فروشان، سرای تیمچه، سرای مجری‌سازان، سرای سلطانی، سرای محمدیه، سرای بانگ، سرای سیگاری، سرای معاون‌الصنایع، مسجد ترک‌ها، مسجد نظر یافته، مسجد خواجه روشنایی، مسجد هفتاد و دو تن، مسجد شاه، مسجد ذوالفقار، و مسجد جفایی، و نیز حمام‌های شاه، حمام سرشور، یا سر سوق، و حمام سالار بهادر اشاره کرد (متولی‌حقیقی ۱۳۹۲). میدان بیت‌المقدس در شمال شرقی و میدان گنبد سبز در غرب محله از گره‌های با هویت تاریخی- فرهنگی مجاور محله هستند. وسعت

محله تاریخی سرشور در محدوده شهرداری منطقه ۸ مشهد از شمال به خیابان اندرزگو (خسروی نو)، از غرب به خیابان آخوندخراسانی، از جنوب به خیابان دانش غربی، و از شرق به خیابان امام‌رضا (خیابان تهران) محدود شده است. شکل‌های ۲ و ۳ موقعیت محله سرشور را نشان می‌دهند. در نتیجه توسعه عصر تیموری بازاری بزرگ دو محله نوغان و سرشور را به هم وصل می‌کرد. محله سرشور، پس از محله سراب اعیان‌نشین‌ترین محله شهر محسوب می‌شد. راسته‌بازار اصلی مشهد از این محله شروع و پس از اتصال با حرم به محله نوغان می‌رسید. لذا احتمال می‌رود که این محله هم در ابتدا سرشور خوانده می‌شده است. بخشی از بازار مزبور هنوز با نام بازار سرشور در همین محله واقع است. به نظر می‌رسد که پس از محله سراب، محله سرشور از قدیمی‌ترین محلات مشهد بوده باشد؛ اما به سبب این که این

قره‌خان در آن نشانگر هویت محله و شکل‌دهنده استخوانبندی فضایی و ساختار تاریخی آن می‌باشند. بازار سرشور در گذشته یکی از مهمترین و شناخته‌شده‌ترین راسته بازارها در مجاورت حرم مطهر بوده است. درک پتانسیل‌های اقتصادی نهفته در بافت و بازار، منجر به نوسازی خودجوش از سوی ساکنین و سرمایه‌گذاران شده و به پویایی و سرزندگی اقتصادی و اجتماعی محله کمک نموده است. با این حال در سال‌های اخیر به دلیل سرعت ساخت و سازهای مبتنی بر طرح‌های توسعه شهری و بروز مسائل اجرایی، ساختار فضایی و سیمای بصری آن دچار تطور گردیده است. طبق مطالعات انجام‌شده‌ی نگارندگان، شش طرح توسعه در دوران معاصر بیشترین تأثیر را بر روی محله سرشور داشته است: ۱. طرح نوسازی اطراف حرم (مهندسين مشاور بوروبور و همکاران ۱۳۴۵)، ۲. طرح جامع شهر مشهد (مهندسين مشاور خازني ۱۳۵۰)، ۳. طرح تفصیلي شهر مشهد (دفتر همکاري مهندسين مشاور خازني ۱۳۶۰)، ۴. طرح جامع مشهد (مهندسين مشاور مهران ۱۳۷۱)، ۵. طرح تفصیلي مصوب مرکز شهر مشهد (طاش ۱۳۸۳)، و ۶. طرح ساماندهي مسيل‌هاي شهر مشهد (نقشان ۱۳۸۷).

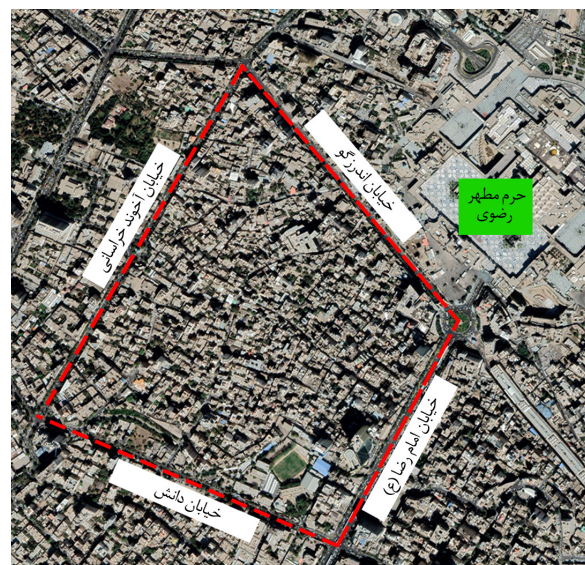
۴. روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت کیفی مبتنی بر روش تحلیل مضمون^۲ (تحلیل تماتیک) است. استراتژی مورد استفاده در این پژوهش استقرای می‌باشد. جامعه آماری کلیه طرح‌های توسعه شهری است که پیشنهاداتی را برای محله سرشور ارائه نموده است. نمونه‌گیری به روش تمام شماری انجام شده است.

تحلیل مضمون یکی از روش‌های بنیادین تحلیل کیفی است که به دنبال تشریح الگوهای داده‌های کیفی هستند (خنیفر و مسلمی ۱۳۹۸). تحلیل مضمون به روش‌های گوناگونی قابل اجرا و استفاده است. از میان روش‌های چهارگانه^۳ تحلیل مضمون، در این پژوهش از روش شبکه مضامین استفاده شده است. در این پژوهش، ابتدا پیشنهادات مربوط به تفکیک هر طرح، احصا و سپس با کدگذاری باز در قالب مضامین پایه مرتب شد. در مرحله بعد، این مضامین پایه بر اساس میزان تشابه موضوعی، دسته‌بندی شده و مفاهیم مجردتر و انتزاعی‌تر در قالب مضامین سازمان‌دهنده تولید می‌شود. سپس در قالب ماتریس اثرسنجی، تأثیرگذاری مضامین سازمان‌دهنده بر یکدیگر از منظر ۵ کارشناس شهرسازی سنجش و نتایج پس از رفت و برگشت به شکل نمودار CLD با استفاده از نرم‌افزار ونسیم ترسیم شد. در مرحله بعد این نمودار یکپارچه به کارشناسان ارائه و از آن‌ها خواسته شد، علت‌های موثر بر



شکل ۲. موقعیت محله سرشور در منطقه‌بندی شهر



شکل ۳. موقعیت محله سرشور

محله حدود ۷۰ هکتار می‌باشد. به دلیل مجاورت و نزدیکی محله به مجموعه حرم مطهر، در ایام خاصی از سال مملو از حضور زائرین می‌شود. محله علی‌رغم قدمت زیاد و فرسودگی کالبدی به دلیل موقعیت مکانی، ارتباط متقابل کالبدی- عملکردی بازار سرشور با بازار بزرگ فرش و مسیر ورود به حرم مطهر از سمت قبله (باب‌الجواد) به لحاظ عملکردی بسیار فعال می‌باشد. همچنین قرارگیری عناصر شاخصی مانند بازار یا گذر سرشور، کوچه چهنو، بنای گنبد سبز، مسیل

مضامین سازمان یافته (که به صورت پنهان بر آن اثرگذار بوده و در طرح‌ها به آن اشاره نشده) را بیان نمایند. این موارد به‌عنوان علل تغییر خصلت سکونت، اقامت و تجارت (بازاری) محله، مورد بررسی و تحلیل مجدد قرار گرفت.

به منظور اعتبار (روایی) پژوهش، فرآیند مطالعه، در مرحله تکمیل پرسشنامه توسط متخصصان، ارائه، و مورد تایید قرار گرفت. برای اطمینان‌پذیری (پایایی) پژوهش، نگارندگان به شکل مجزا کدگذاری سه طرح را مورد بررسی قرار دادند. میزان مشابهت کدگذاری ۷۹ درصد به دست آمد که نشان از اطمینان قابل قبول به نتایج می‌باشد.

۵. تحلیل و ارزیابی

نتایج تحلیل مضامین مهمترین پیشنهادات طرح‌های توسعه مرتبط با محدوده در قالب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر در شکل ۴ آورده شده است. پیشنهادات هر طرح در خصوص محدوده مورد مطالعه به‌عنوان مضامین پایه در نظر گرفته شده است. در انتهای این بخش نیروهای موثر بر طرح‌ها به‌عنوان مضامین فراگیر مشخص شده‌اند.



شکل ۴. دیاگرام تحلیل مضمون پیشنهادات طرح های موثر بر محله سرشور (مأخذ: نگارندگان)

۱-۵. تأثیر مداخلات مبتنی بر طرح‌های توسعه شهری بر ساخت و ساختار محله سرشور

مروری بر طرح‌های توسعه شهری نشان‌دهنده مداخلات گسترده کالبدی در بافت مرکزی شهر و محله سرشور می‌باشد. این مداخلات سبب تخریب کالبدی- عملکردي حوزه مرکزی و انفصال بافت و محله‌های پیرامون حرم با یکدیگر شده است. طبق مطالعات انجام شده، پژوهش‌ها و برداشت‌های

در ادامه به منظور امکان مقایسه میان طرح‌ها، مضامین پایه (کیفیت و کمیت پیشنهادات) به صورت موضوعی و به تفکیک طرح‌ها و نوع اقدامات (تقویت یا تضعیف‌کننده ساختار محله) در جدول ۲ ارائه شده است. بر اساس این جدول مشخص می‌شود که پیشنهادات کدام طرح‌ها بیشتر بر ساختار محله اثرگذار بوده‌اند و تطور محله را با دگرذیسی بیشتری رقم زده‌اند.

جدول ۲. پیشنهادات طرح‌های توسعه شهری بر محدوده سرشور

اقدامات						
طرح‌های توسعه شهری						
طرح مسیل‌ها	طرح مسیل‌ها	طرح جامع مهرآزان	طرح تفصیلی خازنی	طرح جامع خازنی	طرح بوربور	
	○		○		○	تعریض معابر
			○			تجهیز معابر
	○			○		پیوند ارتباطی و عملکردی
	○		○			توسعه کاربری‌ها
		○			○	عدم توجه به توسعه و ارتباط کاربری‌ها
			○		○	ارتقای کالبد
	○			○	○	تخریب بافت
	○				○	جداسازی بافت از حرم
			○		○	تغییر نگرش و ادراک ساکنین
	○		○			افزایش هویت محله
			○		○	عدم مشارکت مردم
○				○		تأمین فضاهای سبز
	○	○	○	○		احیا هویت تاریخی
				○	○	تخریب بافت تاریخی
	○	○				عدم ارتباط بافت قدیم و جدید

اقدامات مثبت اقدامات منفی اقدامات وابسته

منظور ساماندهی مسیل قره‌خان و اهمیت آن به‌عنوان فضای سبز تأکید شده است. اما در عمل تناقضاتی میان اهداف ذکر شده و پیشنهادات آنان دیده می‌شود که با بی‌توجهی به نقش و ساختار تاریخی محله سبب تخریب و نابودی بافت آن شده‌اند. تحولات رخ داده در طول زمان خصوصاً در دهه اخیر و با تأثیرگذاری طرح‌های فرادست در محدوده سرشور، ساختار محله را دستخوش تغییر نموده است. بر اساس پرسشنامه‌ای در قالب ماتریس اثرگذاری، از پنج کارشناس حوزه شهرسازی و آشنا به بافت، خواسته شد تأثیر اقدامات شناسایی شده در قالب مضامین پایه، را بر سایر اقدامات مورد بررسی قرار داده

میدانی، تخریب سازمان فضایی و ساختار تاریخی، از بین رفتن حریم حرم مطهر و آثار ارزشمند، اغتشاش بصری، بر هم زدن سیما و منظر بافت، و از بین رفتن هویت و ساختار اجتماعی از پیامدهای این طرح‌ها هستند. هر یک از طرح‌ها در مطالعات خود به حفظ استخوانبندی تاریخی محدوده، نقش تاریخ در شکلگیری محلات، استفاده از لایه‌های زمانی مختلف برای ایجاد تصویر ذهنی و هویت محیطی، ارتقای شرایط زندگی ساکنین و پاسخگویی به نیازهای آنان و زائران، ایجاد سرزندگی اجتماعی و اقتصادی در بافت مرکزی شهر تأکید کرده‌اند؛ همچنین به طور جداگانه در طرح‌هایی به



طرح‌ها	نیروهای موثر طرح	اقدامات برگرفته از نیروها
طرح تفصیلی خازنی	افزایش کمی زائر افزایش کاربری‌های اقامتی	• تراکم بسیار زیاد فعالیت‌های اقتصادی در محدوده و به تبع آن، فزونی بسیار زیادتر شاغلان فعال نسبت به شاغلان ساکن در آن • افزایش محل مراجعه زائران و علاقه و تمایل آنان به اقامت در این حوزه (به‌دلیل همجواری با حرم مطهر و کاربری‌های متنوع)
	کاهش حس تعلق	• پایین آمدن درآمد ساکنان و کم‌توانی آنها برای مشارکت مؤثر مالی
طرح جامع مهرآزان	کاهش حس تعلق غلبه جمعیت زائر بر جمعیت ساکن	• افزایش قیمت زمین و مستغلات و توجیه ناپذیری استفاده از آنها جهت ساخت‌وساز مسکونی
	افزایش کمی زائر افزایش کاربری‌های اقامتی	• برون کوچی ساکنان بومی و کاهش هویت محلی
طرح تفصیلی	گرانتر بودن اجناس گران شدن زمین	• افزایش محل مراجعه زائران و علاقه و تمایل آنان به اقامت در این حوزه (به‌دلیل همجواری با حرم مطهر و کاربری‌های متنوع)
	افزایش کاربری‌های اقامتی	• به وجود آمدن بورس‌ها و راسته‌های تجاری فعال و سرزنده با قابلیت عملکردی و اجتماعی بالا در مقیاس شهر • افزایش قیمت زمین و مستغلات و توجیه‌ناپذیری استفاده از آنها جهت ساخت‌وساز مسکونی
طرح ساماندهی مسئله‌ها	حیات شبانه خاطره‌انگیزی	• تبدیل بافت مسکونی به واحدهای اقامتی و در نتیجه کاهش جمعیت ساکن
		• افزایش پویایی فضاهای شهری موجود

۲-۵. خصلت سکونتی

خصلت سکونتی محله سرشور در چند دهه اخیر تحت تأثیر دو نوع نیرو بوده است: نیروهایی در جهت تقویت سکونت و نیروهایی در راستای تضعیف این خصلت. از جمله نیروهایی که در این محدوده وجود داشته و ساکنین را تشویق به تداوم سکونت می‌کند عبارتند از:

خاطره‌انگیزی این محدوده برای ساکنین آن به علت منزلت اجتماعی و احساس تعلق بالا، بسیار زیاد است. ساکنان قدیمی از محله سرشور به‌عنوان محله‌ای نسبتاً اعیان‌نشین یاد می‌کنند و حتی برخی این ذهنیت را دارند، که این محل را به این دلیل سرشور می‌خوانده‌اند، که سران در آن زندگی می‌کرده‌اند.

علاقه به سکونت در نزدیکی حرم هم از جمله نیروهای قوی است، که هم بر احساس تعلق ساکنان قدیمی می‌افزاید و هم باعث شده است در ده سال گذشته در قسمت‌هایی از محله سرشور افراد جدیدی در آن ساکن شوند. نوع دیگری از نیروهایی که سکونت در محله را تحت تأثیر قرار داده‌اند، نیروهایی هستند، که باعث مهاجرت ساکنین از محدوده سرشور شده‌اند. این نیروها عبارتند از:

ترافیک سواره و تبدیل شدن بسیاری از مناطق محله سرشور به پارکینگ. این مسئله در حدی است که در بعضی مواقع زندگی ساکنین این محدوده مختل شده و زمینه مهاجرت بسیاری از ساکنین قدیمی و خصوصاً نسل‌های

جدید آنها را تشدید نموده است.

گران شدن زمین به دلیل تمایل به ساخت‌وساز کاربری‌های اقامتی در این محدوده یکی از دیگر عواملی است، که باعث ایجاد انگیزه مهاجرت در ساکنین شده است. **غلبه جمعیت زائر** بر ساکن در این محدوده باعث شده که ارکان اجتماعی-محلی به شدت تحت تأثیر قرار گیرد و تاثیراتی منفی در تداوم سکونت سکنه داشته باشد.

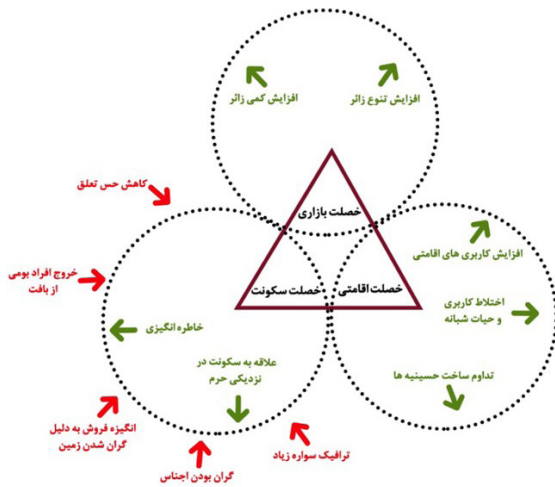
تلقی بازار زواری و **گرانتر بودن اجناس** روزمره نسبت به بخش‌های دیگر شهر که نسبت به محدوده بازار سرشور وجود دارد، باعث شده ساکنین تمایلی به تعامل محلی با بازار سرشور نداشته باشند و به همین دلیل برای تأمین نیازهای روزانه خود مجبورند، از دیگر نقاط شهر خدمات مورد نیاز خود را تأمین کنند. این پدیده هم باعث تشدید تمایل برای ترک محله سرشور می‌شود.

حاصل تضارب میان نیروهای دوگانه تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده سکونت، مهاجرت گسترده ساکنین محله سرشور در دهه ۱۳۸۰ بوده است و تنها محدوده‌های خاصی از این محله را می‌توان یافت که سکونت بر اقامت موقت غالب است.

۳-۵. خصلت اقامتی

محله سرشور از قدیم دارای خصلت اقامتی بوده است. وجود کاروانسراهای قدیم در این محله نشان از ایفای نقش اقامتی این محدوده برای مراجعان شهر مشهد و زائران امام





شکل ۶. نیروهای موثر بر خصلت‌های سه‌گانه محدوده سرشور (مأخذ: نگارندگان)

ایرانی اسلامی از جمله همبستگی اجتماعی قوی، روحیه همکاری، تعاون و روابط همسایگی (نقه‌الاسلامی و امین‌زاده ۱۳۹۲) و دلبستگی ساکنان به محله است. همانطور که محمدی و رفیعی (۱۳۹۵) و صناعی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند توسعه پایدار محله‌ای تا حد زیادی به ظرفیت‌ها و سرمایه اجتماعی بستگی دارد. استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اجتماعی نیز در گرو مشارکت اجتماعی محله است. لذا فرآیندهای مشارکت‌ستیزانه و مردم‌گریز، منجر به توسعه ناپایدار شده و پیامد این مهم مطابق با پژوهش خبیری و دیگران (۱۳۹۹) عدم سکونت پایدار، فقدان شکل‌گیری عرصه عمومی خرد و تنزل انسجام اجتماعی است.

از طرفی همانطور که شفیعی دستجردی (۱۳۹۲) نیز نشان داده است ساختار ثابت، غیرمنعطف، کالبدی، و غیربومی طرح‌های توسعه شهری و عدم انطباق آن با ملاحظات خاص بافت‌های تاریخی (ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، و کالبدی و...) علت دیگر تنزل این بافت‌ها در قالب مداخلات کالبدی است. تحقق سرانه‌های شهری به‌عنوان خط قرمز طرح‌های توسعه تلقی شده که اساساً با مفهوم «عملکرد» در محله ایرانی اسلامی تفاوت ماهوی دارد. سرانه یک مفهوم کمی است اما «عملکرد» در محله دلالت بر مفهومی کیفی دارد. چه بسا یک فعالیت خاص از منظر عملکردی در محله بسیار کارآمد باشد، اما سطح آن از نظر سرانه کافی نباشد. این موضوع منجر به مداخله کالبدی با هدف بهبود عملکرد می‌شود؛ در حالیکه نیازی به مداخله وجود نداشته است و عملاً باعث نارضایتی بیشتر می‌شود.

همچنین با عدم توجه طرح‌ها به فضاهای شهری گذشته، وسعت مداخله در سطح کل محله و افزایش نفوذپذیری با

رضاع) دارد. با توجه به نزدیکی این محله به حرم، این خصلت اقامتی در طول سالیان همچنان باقی مانده است. در حال حاضر گونه‌های متنوعی از اقامت در محله سرشور وجود دارند که عبارتند از: حسینیه‌ها، خانه‌های اجاره‌ای، هتل‌ها و هتل آپارتمان‌ها و آپارتمان‌های ملکی زائران.

مجموعه این انواع الگوهای اقامت در محله سرشور همچنان رو به افزایش است. نیروهایی که زمینه مناسب را برای افزایش خصلت اقامتی در محدوده سرشور فراهم کرده است، عبارتند از: تداوم ساخت حسینیه‌ها، حیات شبانه، و افزایش کاربری‌های اقامتی. نکته مهم در رابطه با گسترش خصلت اقامتی محدوده سرشور در این است که این نوع افزایش کمی منجر به تنوع ملیت و قومیت زائران شده است.

۴-۵. خصلت بازاری

خصلت بازاری در محدوده سرشور در یک دهه اخیر تحت تأثیر دو نیروی افزایش کمی و تنوع زائر به شدت رشد یافته است. این دو نیرو ویژگی خاصی به خصلت بازاری محور سرشور داده است. اولین ویژگی قابل توجه در خصلت بازاری محور سرشور تنوع مشاغل در این محور است که به طور مستقیم با تنوع زائران مقیم در این محدوده ارتباط دارد و موجب سرزندگی فضای بازار شده است. ویژگی دوم آنکه در حال حاضر واحدهای تجاری محور سرشور (خصوصاً در بخش ابتدایی آن از ورودی خیابان خسروی نو تا چهنو) از جمله گرانترین واحدهای تجاری در شهر مشهد هستند.

اگر سه خصلت محله سرشور به مثابه سه ضلع یک مثلث در نظر گرفته شود، در حالت تعادل نیروهای موثر بر هر خصلت، اضلاع مثلث با هم برابر خواهند بود. به همین سبب بهترین الگو برای مشاهده اثر آنها بر سه خصلت، ترکیب الگوی مثلث و دایره، است که می‌تواند به صورت شماتیک تاثیرات وارد شده و عدم تعادل ناشی از آن را نشان دهد. با توجه به تغییر نیروهای موثر بر خصلت‌های سه‌گانه، این تعادل برهم می‌خورد. بنابراین در تقویت و تضعیف خصلت‌های سه‌گانه محله سرشور نیروهایی موثر هستند که بر اساس پیشنهادات طرح‌ها بروز می‌یابند. شکل ۶ این نیروها را به تفکیک اثرگذاری مثبت یا منفی نشان می‌دهد.

۶. نتیجه‌گیری

بافت اطراف حرم امام رضا(ع) متشکل از محله‌هایی هویت‌مند و کارآمد بوده است. در مداخلات صورت‌گرفته مبتنی بر طرح‌های توسعه شهری عموماً به این مهم کم‌توجهی شده است. این طرح‌ها غالباً با رویکردی اقتدار‌گرایانه و غیرمشارکتی اجرا شد. نتیجه این نگرش تهدید ارزش‌های سنتی محله‌های

حضور گردشگر و دسترسی با خودرو، تبدیل شد. جدول ۴ به صورت خلاصه میزان تاثیرگذاری هر طرح بر نیروهای تقویت و تضعیف‌کننده سه خصلت سکونت، اقامت، و تجارت (بازاری) را نشان می‌دهد. به طور کلی در تحولات صورت گرفته محدوده سرشور خصلت سکونتی محدوده تحت فشار نیروهای مثبت و منفی وارده (خاطره‌انگیزی، علاقه به سکونت در نزدیکی حرم، کاهش حس تعلق، ترافیک سواره، گران شدن زمین، گرانتر بودن اجناس، غلبه زائر بر ساکن، تداوم ساخت حسینیه‌ها، حیات شبانه، افزایش کاربری اقامتی، افزایش کمی زائر و افزایش تنوع زائر) به شدت تقلیل یافته و از سوی دیگر خصلت بازاری و اقامتی آن رشد چشمگیری داشته است.

تعریض معابر، خودمانی و دنج بودن برخی فضاهای محلی جای خود را به ورود غریبه‌ها و ترافیک سواره داد و باعث سلب آسایش ساکنین و کاهش خصلت سکونت شد. این موضوع به زعم لطفی و دیگران (۱۳۸۳) منجر به از بین رفتن بسیاری از خصوصیات مثبت و استحاله محله به توده‌ای از بناها و بروز بافت مسئله‌دار می‌شود.

یکی دیگر از نواقص موجود در این طرح‌ها، عدم توجه به جایگاه کانونی حرم مطهر امام رضا(ع) به عنوان عنصر اصلی، ساختارساز، و قوام بخش به محله‌های اطراف بوده است. تسلط موضوع اقتصادی و کالبدی بر امر فرهنگی-مذهبی منجر به تخلیه بافت پیرامونی و جدا شدن حرم از شهر شد (قلندریان^۴ و گوهری پور^۵ ۲۰۲۳). بازارهای اصلی که ارتباط حرم با شهر را برقرار می‌ساختند، از بین رفتند و اولویت به

جدول ۴. بررسی خصلت‌های سه‌گانه در رابطه با هر طرح (مأخذ: نگارندگان)

خصلت‌های محله	خصلت سکونت						خصلت اقامت		خصلت بازاری	دی‌گرام تحلیلی			
	خاطره‌انگیزی	علاقه به سکونت در نزدیکی حرم	حس تعلق	ترافیک سواره	گران شدن زمین	غلبه زائر بر ساکن	گرانتر بودن اجناس	تداوم ساخت حسینیه‌ها	حیات شبانه		افزایش کاربری اقامتی	افزایش کمی زائر	افزایش تنوع زائر
طرح نوسازی بوروبور و همکاران (۱۳۴۵)	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	دی‌گرام تحلیلی ۱
طرح جامع شهر مشهد (خازنی، ۱۳۵۰)	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	دی‌گرام تحلیلی ۲
طرح تفصیلی شهر مشهد (خازنی، ۱۳۶۰)	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	دی‌گرام تحلیلی ۳
طرح جامع مشهد (مهراران، ۱۳۷۱)	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	دی‌گرام تحلیلی ۴
طرح تفصیلی مصوب مرکز شهر مشهد (طاش، ۱۳۸۳)	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	دی‌گرام تحلیلی ۵
طرح ساماندهی مسیل‌های شهر مشهد (نقشان، ۱۳۸۷)	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	دی‌گرام تحلیلی ۶

تغییر نیرو در جهت کاهش خصلت مربوطه ● عدم تغییر نیرو ○ تغییر نیرو در جهت افزایش خصلت مربوطه ●



پی‌نوشت

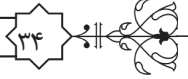
می‌باشد. واژه theme در فارسی معادل «مضمون»، «زمینه»، «مایه»، «مطلب»، «درونمایه»، «موضوع»، «مبحث»، و «ملودی» می‌باشد معادل فارسی مضمون «درونمایه» است
 ۳. قالب مضامین، ماتریس مضامین، شبکه مضامین، و تحلیل مقایسه‌ای (کاوایی و نظری ۱۴۰۱)
 ۴. Ghalandarian
 ۵. Goharipour

۱. شایان ذکر است این محله در محدوده طرح بهسازی و نوسازی بافت اطراف حرم، مصوب ۱۳۸۷ و همچنین طرح تفصیلی ویژه بافت پیرامون حرم امام رضا(ع) مصوب ۱۳۹۹ قرار نداشته است، لذا این دو طرح مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.
 ۲. «تحلیل مضمون» معادل فارسی واژه انگلیسی thematic analysis

منابع

۱. باستانی‌راد، حسن. ۱۳۹۱. کوی (محله) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی. پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام ۶ (۱۰): ۱-۳۰.
۲. بهشتی، سیدحامد. ۱۳۹۰. محله، نهادی سنتی برای تقویت جامعه مدنی. اندیشه ایرانشهر ۵ (۱۴-۱۵): ۲۰-۲۵.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۶. مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۴. پورجعفر، محمدرضا، و علی پورجعفر. ۱۳۹۱. الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی-اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۳ (۱۰): ۱۵-۲۴.
۵. پیربابایی، محمدتقی، و حسن سجاذزاده. ۱۳۹۰. تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی. باغ نظر ۸ (۱۶): ۱۷-۲۸.
۶. پیرحیاتی، مهدی، و میلاد ترکجزی. ۱۳۹۲. بازشناسی ساختار کالبدی و ویژگی‌های شهر اسلامی. در همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین.
۷. ثقه‌الاسلامی، عمیدالاسلام، و بهناز امین‌زاده. ۱۳۹۲. بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی. هویت شهر ۷ (۱۳): ۳۳-۴۵.
۸. حیدری، محمدتقی، و علی طارمی. ۱۳۹۹. گذری بر گذار ستیز محله‌ای و کاربری آن در محلات شهر ایرانی-اسلامی. دانش شهرسازی ۴ (۱): ۷۳-۹۶.
۹. خبیری، سمانه، محمدرضا پورجعفر، و محمدسعید ایزدی. ۱۳۹۹. تبیین ماهیت دل‌بستگی به محله ایرانی-اسلامی: مطالعه کیفی محله اختیاریه. مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۱۱ (۴۲): ۶۷-۸۰.
۱۰. خدایی، زهرا، و علی‌اکبر تقوایی. ۱۳۹۰. شخصیت‌شناسی شهر اسلامی، با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۲ (۵): ۱۱۳-۱۰۳.
۱۱. خنیفر، حسین، و مسلمی ناهید. ۱۳۹۸. اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، ج ۱. تهران: نگاه دانش.
۱۲. رنجبریان، بهرام، و سیدمحمد زاهدی. ۱۳۸۶. بررسی اثرات تکرار سفر به اصفهان بر میزان رضایت گردشگران خارجی. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای ۵ (۹): ۶۵-۷۸.
۱۳. سازمان عمران و بهسازی. ۱۳۸۷. گزارش بازنگری طرح نوسازی و بازسازی بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع).
۱۴. سعیدی رضوانی، عباس. ۱۳۶۸. بینش اسلامی و جغرافیای شهری. تحقیقات جغرافیایی ۸ (۳۸): ۷-۴۴.
۱۵. سلطانی‌فرد، هادی، حسین حاتم‌نژاد، مصطفی عباس‌زادگان، و احمد پوراحمد. ۱۳۹۲. تحلیل دگرگونی ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: شهر سبزوار). مطالعات شهر ایرانی اسلامی (۱۴): ۱۳-۲۱.
۱۶. شفیعی دستجردی، مسعود. ۱۳۹۲. نوسازی بافت‌های فرسوده و ضرورت تغییر نگرش در تهیه و اجرای طرح‌های جامع و تفصیلی. باغ نظر ۱۰ (۲۴): ۱۰۴-۹۱.
۱۷. صفوی، سیدعلی، محمود رضایی، و مژگان سعادت‌مندی. ۱۳۹۷. کاربری اصول نوشهرگرایی مطابق با شناسه‌های شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: محله مسکونی و قدیمی رباط‌کریم (رباط کهنه)). پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی) ۵۰ (۴): ۹۲۹-۹۴۴.
۱۸. صناعی، امیر، فرح حبیب، و ایرج اعتصام. ۱۴۰۰. بررسی نقش سرمایه اجتماعی در افزایش پایداری محله‌ای (نمونه موردی: محله حصارک تهران). انسان و محیط زیست ۱۴ (۵۷): ۱۴۰-۱۵۳.
۱۹. طاهرخانی، حبیب‌الله، و محمدمهدی متوسلی. ۱۳۸۵. مدیریت بافت تاریخی شهرهای ایران (چالش‌ها و راهبردها). مدیریت شهری ۵ (۱۸): ۱۰۷-۹۶.



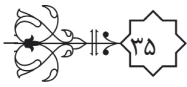


۲۰. غفوری، فواد، و ایمان قلندریان. ۱۴۰۲. بازآفرینی خیابان چهارباغ هرات با هدف ارتقای هویت مکان. باغ نظر ۲۰ (۱۲۳): ۴۳-۵۴.
۲۱. غلامی، سعید، ابوالفضل مشکینی، و اسماعیل دویران. ۱۳۹۲. طراحی فضایی محلات شهری با تأکید بر اصول دین اسلام در شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: محله شهدای شهر زنجان). هویت شهر ۹ (۲۲): ۴۱-۵۲.
۲۲. قلندریان، ایمان. ۱۴۰۱. کاربست روش داده‌بنیاد در ظهور یک نظریه‌ی شهری (بازآفرینی بخش مرکزی مشهد). پژوهش‌های معماری اسلامی ۱۰ (۲): ۱۰۳-۸۵.
۲۳. قهرمان، آرش، احمدرضا اصغرپورماسوله، امیدعلی خوارزمی، محسن نوغانی، و حسین اکبری. ۱۴۰۰. گونه‌شناسی گردشگران بر اساس نوع اقامت در شهر مشهد. مطالعات اجتماعی گردشگری ۹ (۱۷): ۱۸۹-۲۱۸.
۲۴. کاویانی، محمد و مصطفی نظری. ۱۴۰۱. کاربست روش تحلیل مضمون در بررسی و مقایسه جایگاه «فکر» در روان‌شناسی قرآن‌بنیان. روش‌شناسی علوم انسانی ۲۸ (۱۱۰): ۵۳-۷۰.
۲۵. کریمیان، حسن. ۱۳۸۹. نمادهای فرهنگی در مناظر شهری: بیان معنا، حس هویت، و آرامش روحی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی) ۴۲ (۷۴): ۱۱۹-۱۳۲.
۲۶. کشانی همدانی، مینا، و حسن سجاذزاده. ۱۳۹۹. بازخوانی سازمان فضایی محله در شهر ایرانی از منظر فرهنگ وقف، مطالعه موردی: محله علی قلی آقا، شهر اصفهان. مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۱۰ (۴۰): ۳۳-۴۴.
۲۷. لطفی، سهند، محمدرضا پورجعفر، و مجتبی انصاری. ۱۳۸۳. مروری بر ناکارآمدی طرح‌های تفصیلی متداول در بافت ارگانیک مسکونی (مورد مطالعه محله امامزاده قاسم تهران). هنرهای زیبا ۴ (۱۸): ۱۳-۲۴.
۲۸. لطیفی، غلامرضا، و ندا صفری چابک. ۱۳۹۲. بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی-اسلامی بر پایه اصول نوسه‌گرایی. علوم اجتماعی (۶۶): ۶۶-۵۸.
۲۹. محمدی، ساراسادات، و علمدار علیان. ۱۳۹۸. ساختار کالبدی محله در شهرهای ایرانی-اسلامی. شباک ۵ (۱): ۹۷-۱۰۶.
۳۰. محمدی، علیرضا، و فریبا رفیعی. ۱۳۹۵. بررسی نقش برنامه‌ریزی محله‌مبنا در تحقق توسعه پایدار محله ای (مطالعه موردی: محله حسینیه زنجان). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری ۴ (۳): ۳۴۷-۳۶۷.
۳۱. محیط‌آرا، محمد، عباس ملک‌حسینی، و مجید شمس. ۱۳۹۷. الگوی راهبردی از محله پایدار شهر اسلامی-ایرانی (محله بنیاد شهر قم). نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی) ۱۰ (۳): ۳۶۱-۳۸۱.
۳۲. معروفی، حسین، و پویا دولابی. ۱۳۹۹. معاصرسازی مفهوم «محله» در شهر ایرانی با نگاه بر مبانی برنامه‌ریزی محله‌مبنا. نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران ۱۱ (۱۹): ۲۵-۴۰.
۳۳. منظوری، الهام، و رسول درسخوان. ۱۳۹۶. ویژگی‌های فضایی کالبدی مسجد در هویت محله در شهرهای ایرانی-اسلامی، نمونه موردی مسجد جامع قراملک تبریز. در کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در عمران معماری و شهرسازی. مهندسين مشاور بوروبور و همکاران. ۱۳۴۵. گزارش طرح نوسازی اطراف حرم.
۳۴. مهندسين مشاور خازنی. ۱۳۵۰. گزارش طرح خازنی.
۳۵. مهندسين مشاور طاش. ۱۳۸۳. گزارش طرح تفصیلی مرکز مشهد.
۳۶. مهندسين مشاور مهرآزان. ۱۳۷۱. گزارش طرح جامع مشهد.
۳۷. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۹. تأملی در چیستی شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۱۱ (۱): ۱-۱۴.
۳۸. _____ . ۱۳۹۶. شهر اسلامی از اندیشه تا ظهور. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳۹. هاشم‌پور، پرینا، و ثنا یزدانی. ۱۳۹۵. مطالعه‌ی تحولات کالبدی محلات تاریخی با رویکرد حریمیت (مورد مطالعه: محله‌ی تاریخی عذب دفتربلر تبریز). توسعه محلی روستایی-شهری (توسعه روستایی) ۸ (۲): ۳۱۳-۳۳۸.

References

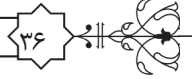
1. Bastanirad, Hasan. 2012. Neighborhood in Iranian Cities of the First Islamic Centuries. Historical Researches of Iran and Islam 6 (10): 1-30.
2. Beheshti, Seyed Hamed. 2011. The Neighbourhood, A Traditional Institution to Strengthen Civil Society. Iranshahr Thought 5(14-15): 25-20.
3. Borbour Consulting Engineers and Colleagues. 1966. Report on the Renovation Plan around the Shrine.
4. Construction and Improvement Organization. 1999. Report on the Revision of the Renovation and Reconstruction of the Fabric Surrounding the Sacred Shrine of Imam Reza.





5. Ghafoori, Fawad, and Iman Ghalandarin. 2023. Regeneration of Herat's Chaharbagh Street to Promote its Place Identity. *Bagh-e Nazar* 20 (123): 43-54.
6. Ghahreman, Arash, Ahmad Reza Asgharpour Masooleh, Omid Ali Kharzmi, Mohsen Noghani, and Hossein Akbari. 2021. Taxonomy of Tourists Based on Accommodation Types in Mashhad. *Social Studies in Tourism* 9 (17): 189-218.
7. Ghalandarin, Iman. 2022. Application of Grounded Theory in The Emergence of an Urban Theory: Regeneration of the Central Part of Mashhad. *Researches in Islamic Architecture* 10 (2): 85-103.
8. _____, and Hamed Goharipour. 2023. Requiem for the Spiritual Experience: Reconceptualising 'Quality of the Environment' by Looking at the Renovation Process of the Samen District in Mashhad, Iran. *Urban Regeneration and Renewal* 17(1): 38-52.
9. Gholami, Saeid, Abolfazl Meshkini, and Esmaeil Daviran. 2015. Designing of Spatial of City Quarters with Emphasis on the Islam Principles in Iranian- Islamic City (Case Study: Shohada Neighbourhood in Zanjan). *Hoviatshahr* 9(22): 41-52.
10. Hashempour, Parisa, and Sana Yazdani. 2017. Studying the Physical Changes of Historical Neighborhoods in Order the Privacy: A Case Study of the Tabriz Azab Daftarilar Historical Neighborhood. *Community Development (Rural and Urban Communities) (Towsee Roostaei)* 8(2): 318-338.
11. Heydari, Mohamad Taghi, and Ali Taromi. 2020. A Review of the Spatial Conflict Transition and Its Application in the Neighborhoods of the Iranian-Islamic City. *Urban Planning Knowledge* 4(1): 73-96.
12. Karimian, Hassan. 2010. Cultural Symbols in Urban Landscapes: Expression of Meaning, Sense of Identity and Peace of Mind. *Researches of Human Geography (Geographic Studies)* 42(74): 119-132.
13. Kashani Hamedani, Mina, and Hassan Sajjadzadeh. 2020. Revisiting the Spatial Organization of Neighborhoods in the Iranian City in Terms of the Tradition of Mortmain Case Study: Aligholi Agha Neighborhood, Isfahan. *Studies on Iranian Islamic City* 10(40): 33-44.
14. Kavyani, Mohammad, and Mostafa Nazari. 2022. Thematic Analysis, Islamic Psychology Methodology of Social Sciences and Humanities. *Humanities Methodology* 28(110): 53-70.
15. Khabiri, Samaneh, Mohammad Reza Pourjafar, and Mohammad Saeid Izadi. 2021. Attachment to Iranian-Islamic Neighborhood: A Qualitative Study (Ekhtiarieh, Tehran). *Studies on Iranian Islamic City*: 11(42): 67-80.
16. Khanifir, Hossein, and Nahid Moslemi. 2019. Principles and Basics of Qualitative Research Methods, Vol 1. Tehran: Negah-e Danesh.
17. Khazeni Consulting Engineers. 1971. Khazeni Plan Report.
18. Khodae, Zahra, and Ali Akbar Taghvaei. 2011. The Character of an Islamic City: with an Emphasize on Physical Dimensions of an Islamic City. *Studies on Iranian Islamic City* 2(5): 103-113.
19. Latifi, Gholam Reza, and Neda Safari Chabak. 2013. Recreating the Neighborhood Concept in Iranian-Islamic Cities Based on the Principles of Neo-Urbanism. *Social Science* (66): 58-66
20. Lotfi, Sahand, Mohammadreza Poorjafar, and Mojtaba Ansari. 2004. A Review of the Ineffectiveness of Common Detailed Plans in Residential Organic Context (Case Study of Imamzadeh Ghasem Neighborhood in Tehran). *Honar-ha-ye-Ziba* 4(18): 13-24.
21. Manzoori, Elham, adn Rasool Darskhan. 2017. Physical Spatial Features of the Mosque in the Identity of the Neighborhood in Iranian-Islamic Cities A Case Example of Tabriz's Qaramalek Jame Mosque. In *National Conference of Applied Research in Civil Engineering and Urban Planning*.
22. Marufi, Hossein, and Pouya Doulabi. 2020. Regeneration of Social and Administrative Features of Traditional Neighborhoods in Planning Contemporary Iranian Cities Based on 'Neighborhood-Based' Principles. *Iranian Architecture and Urbanism* 11(19): 25-40.
23. Mohammadi, Alireza, and Fariba Rafiee. 2016. The Role of Neighborhood-Based Planning For Neighborhood Sustainable Development (Case Study: Hosseinih Neighborhood in Zanjan City). *Geographical Urban Planning Research* 4 (3): 347-367.
24. Mohitara, Mohammad, Abbas Malekhosseini, and Majid Shams. 2018. A Strategic Model of a Stable Neighborhood in an Islamic-Iranian City (Qom Bonyad Neighborhood). *New Attitudes in Human Geography* 10 (3): 361-381.
25. Mehrazan Consulting Engineers. 2011. Mashhad Master Plan Report.
26. Mohammadi, Sara Sadat, and Alamdar Alyan. 2019. The Physical Structure of the Neighborhood in Iranian-Islamic Cities. *Shabak* 5(1): 97-106.





27. Naghizade, Mohammad. 2010. A Reflection on What the Islamic City Is. *Studies of the Islamic Iranian City* 1(1): 1-14.
28. _____ . 2017. *Islamic City from Thought to Emergence*. Tehran: Academic Jihad Publishing Organization.
29. Pakzad, Jahanshah. 2007. *Theoretical Foundations and Process of Urban Design*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development.
30. Pirbabaee, Mohammad Taghi, and Hassan Sajjadzadeh. 2011. Group Belonging to Place, Realization of Social Residence, in Traditional Neighborhood. *Bagh-e Nazar* 8(16): 17-28.
31. Pirhayati, Mahdi, and Milad Tarkjazi. 2015. Recognizing the Physical Structure and Characteristics of the Islamic City. In *National Conference of Urban Planning and Architecture in the Passage of Time*, Qazvin.
32. Poorjafar, Mohammad Reza, and Ali poorjafar. 2012. The Proposed Model of the Neighborhood Centered on the Mosque and Public Spaces Required in the Iranian-Islamic City. *Iranian Islamic City Studies* 3(10): 15-24.
33. Ranjbarian, Bahram, and Mohammad Zahedi. 2008. the Effect of Repeating Travels on Satisfaction Level of International Tourists Who Visit Isfahan. *Geography and Regional Development* 5(9): 65-78.
34. Saeedi Rezvani, Abbas. 1990. Islamic Vision and Urban Geography. *Geographical Research* 8(38): 7-44.
35. Safavi, Seyed Ali, Mahmood Rezaee, and Mojgan Sadatmandi. 2019. Modern Urbanism Principles in Islamic-Iranian Measures of Urban Planning (Case Study: Robot Karim Residential Area). *Human Geography Research* 50(4): 929-944.
36. Saghatoleslami, Amid-ol-Islam, and Behnaz Aminzade. 2013. A Comparative Study on the Concept and Design Principles of Iranian Mahalleh and Western Neighborhood. *Hoviatshahr* 7 (13): 33-45.
37. Sanaei, Amir, Farah Habib, and Eraj Etesam. 2021. Investigating the Role of Social Capital in Increasing Neighborhood Sustainability (Case study: Hesarak Neighborhood of Tehran). *Human and Environment* 14 (57): 140-153.
38. Shafie Dashtjerdy, Masoud. 2013. Renovation of deteriorated areas and the necessity of reorientation in preparation and execution of master and detailed plans A Case study: the master and detailed plan of Isfahan City. *Bagh-e Nazar* 10 (24): 91-104.
39. Soltanifard, Hadi, Hossein Hataminejad, Mustapha Abbaszadegan, and Ahmad Pourahmad. 2014. An Analysis of Physical -Spatial Structure Transformation of the Iranian- Islamic City (A Case Study: Sabzevar). *Studies on Iranian Islamic City* (14): 13-21.
40. Taherkhani, Habiballah, and Mohammad Mahdi Motevasseli. 2006. Management of the Historical Context of Iranian Cities (Challenges and Strategies). *Urban Management* 5(18): 96-107.
41. Tash Consulting Engineers. 2013. *Mashhad Center Detailed Design Report*.

